

احمدبن موسی^(ع) مبارزی در دو عرصه‌ی جنگ نرم و جنگ سخت

منصوره زارعان^۱

چکیده

احمدبن موسی^(ع)، طبق کتب معتبر تاریخی یکی از فرزندان امام موسی کاظم^(ع) است که با توجه به شرایط سیاسی زمان خود دست به قیام علیه حاکمان جور زمان خود زد. او در دو جبهه جنگ نرم و جنگ سخت به مبارزه پرداخت و با انحراف و ظلم و استبداد مبارزه کرد این نوشته در صدد بررسی مبارزات ایشان در این دو عرصه است. نوشته حاضر بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع معتبر تاریخی صورت پذیرفته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که ایشان در عرصه فرهنگی به مبارزه با فرقه‌گرایی و تشمت در جامعه مسلمین پرداخت و طرفداران خود را به پذیرش ولایت علی‌بن موسی^(ع) ترغیب کرد. از سوی دیگر ایشان به دفاع از آن حضرت به مبارزه رویاروی با حاکمان جور پرداخت و در این راه به شهادت رسید.

کلیدواژه‌ها: احمدبن موسی، شاه‌چراغ، فرقه‌گرایی، جنگ نرم، جنگ سخت.

مقدمه

یکی از اهداف والای ائمه اطهار^(ع) و مصلحان اجتماعی پیروان آن بزرگواران، یاری دین خدا و پاسداشت اوامر الهی در زمین است. امام صادق^(ع) یاری دین خدا را، از خداوند می‌طلبد و می‌فرماید: خدایا روزیم را وسعت و عمرم را طولانی گردان و مرا در زمره کسانی قرار ده که دینت را یاری می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۵۵۳). اما سوال این است که یاری دین خدا چگونه تحقق می‌یابد.

حاکمان جور در طول تاریخ با جنگ نرم و جنگ سخت به مبارزه دین و رهبران دینی آمده‌اند. گاه مبارزه با رهبران دینی و در راس آنان ائمه اطهار^(ع) با جنگ و جدال تحریم و زندان و عملیات مسلحانه اتفاق می‌افتد و گاه با عملیات ضد فرهنگی و اختلاف افکنانه به مبارزه روی می‌آورند.

برخی محققان جنگ نرم را بدیلی برای جنگ سخت می‌دانند که شامل هر گونه اقدام روانی، تبلیغاتی، رسانه‌ای و فرهنگی است که جامعه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون جنگ و خشونت، رقیب را به انفعال می‌کشاند (یوسف‌زاده، بختیاری، ۱۳۹۲). مهمترین هدف جنگ نرم تسخیر و سلطه بر عرصه فرهنگی به جای عرصه طبیعی است. بدین وسیله دشمن به راحتی می‌تواند حلقه‌های فکری و فرهنگی جامعه را متزلزل کند.

هر چند اصطلاح جنگ نرم اصطلاحی است که به عنوان یک مجموعه منسجم از روش‌های مختلف از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی توسط آمریکا برای فروپاشی شوروی سابق طراحی شد (یوسف‌زاده، بختیاری، ۱۳۹۲) اما قدمت این پدیده را می‌توان به اندازه عمر تاریخ بشر دانست. اغوا و فریب مفاهیمی تاریخمند به درازای خلقت بشری است که اساس جنگ نرم است. در تاریخ اسلام معاویه، عمرو عاص و... سمبل اغوا و فریب و یا جنگ نرم بوده‌اند.

در واقع تفرقه دینی به عنوان جنگ نرم یکی از ابزارهای است که دشمنان دین خدا به آن تمسک می‌جویند تا بدین وسیله به تفرق و تشتت در جامعه دامن زنند و از آب گل‌آلود و فضای ناسالم به اهداف خود دست یابند. در حدیث شریف از پیامبر^(ص) آمده است «الجماعة رحمة و الفرقة عذاب» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۲۳) وحدت رحمت را به ارمغان می‌آورد و تفرقه سبب عذاب می‌شود. در حدیثی دیگر از پیامبر مکرم اسلام^(ص) نقل شده است که «ثلاثة أخافهن علی أمتی: الضلالة بعد المعرفة و مُضلاتُ الفتن...» (میزان‌الحکمه، ح ۷۶۲) سه چیز است که از آن برای امت خودم در ترس، گمراهی بعد از شناخت و سر در گمی‌های برخاسته از فتنه-ها... در این حدیث پیامبر با نگرانی از سردرگمی و گمراهی‌های برخاسته از سوی فتنه‌انگیزان، گویا هشیاری و بصیرت را گوشزد می‌فرماید.

با شهادت امام موسی کاظم^(ع) دشمن راه جنگ نرم را در کنار جنایات پیشین خود در پیش گرفت و مبارزه دینی را در فرقه‌گرایی ادامه داد. در حقیقت دشمن و حاکمان جور در این زمان در دو عرصه جنگ

نرم و جنگ سخت به مبارزه با دین و رهبر دینی پرداختند. در این میان دشمن گاه از حربۀ تفرقه به تضعیف جامعۀ دینی و امام بر حق می‌پرداخت و از سویی با به شهادت رساندن آن حضرت، مبارزه خود را شکل داد.

آن چه در این میان حیلۀ دشمنان را خنثی می‌کند و تا حدودی نقشۀ شوم آنان را بر ملا می‌سازد و از رسیدن به اهدافشان جلوگیری می‌کند، بصیرت و آگاهی نخبگان جامعه و سردمداران فرهنگی و دینی است. توجه و هوشیاری آنان می‌تواند جنگ در هر دو عرصه را مدیریت کند. در حقیقت، یکی از ابزارهای مهم در یاری دین خدا، بصیرت است. بصیرتی که راهنمای عمل باشد و فرد را در بزنگاه‌ها یاری نماید.

ضرورت بررسی تاریخ زندگی امام‌زادگان و سبک زندگی و حیات و ممت آنان از آن روست که می‌تواند درسی بزرگ برای امت اسلامی باشد. بررسی مبارزات و عملکرد امام‌زادگان زوایای پنهانی از رشادت‌ها و از خودگذشتگی‌های آنان را به ما نشان می‌دهد که خود الگویی است در برابر ما و می‌تواند چراغ راهی برای مسیر هدایت باشد.

در پیشینه تحقیق باید به منابع معتبر روایی و انسابی و تاریخی اشاره کرد. علاوه بر آن جلیل عرفان منش در کتابی با عنوان چلچراغ شیراز به تشریح قیام احمدبن موسی و برادران امام رضا^(ع) پرداخته است. وی با تشریح شخصیت آن حضرت، به قیام حضرت و مدفن ایشان اشاره دارد (عرفان‌منش، ۱۳۸۶). علی اکبر کلانتری در کتابی با عنوان آفتاب شیراز، پژوهشی نو و جامع پیرامون شخصیت و مدفن حضرت احمدبن موسی^(ع) معروف به شاه‌چراغ به تبیین مبارزات آن حضرت پرداخته است. ایشان همچنین پیدایی مزار آن حضرت را مورد توجه قرار داده است (کلانتری، ۱۳۹۰). مهیار خانی مقدم، و عبدالرضا زاهدی در مقاله‌ای با عنوان «تبیین نظریۀ مهاجرت امام رضا^(ع) و امام زادگان^(ع) در راستای سنت الهی استبدال» مهاجرت امام‌زادگان و از جمله مهاجرت جناب احمدبن موسی^(ع) را بر اساس نظریۀ استبدال تبیین می‌کند (خانی مقدم، زاهدی، ۱۳۹۴). سید یاسین زاهدی در تحقیقی با عنوان احمدبن موسی^(ع) با تبیین شخصیت او به ارتباط وی با امام رضا^(ع) می‌پردازد و در ادامه به فرقه‌گرایی‌های آن دوران همچون فرقه احمدیه و واقفیه اشاره دارد (زاهدی، ۱۳۸۸).

این تحقیق با استفاده از منابع معتبر به شرح و تبیین قیام احمدبن موسی^(ع) پرداخته است و اشاره شده است که قیام در راستای اصلاح دین، در هر شکلی صورت گیرد، چه قیام فرهنگی و چه قیام مسلحانه، برخاسته از بینش و بصیرت دینی است. آگاهی و بصیرت دینی یکی از لوازم دینمداری و اصلاح جامعۀ دینی است.

تحقیق حاضر به روش توصیفی و اسنادی صورت گرفته است. در این راستا با استفاده از کتب و مقالات

معتبر به بررسی موضوع پرداخته شده است.

در این نوشته با دو سوال اصلی روبرو هستیم:

احمدبن موسی^(ع) از چه شخصیتی برخوردار بود؟

مبارزه احمدبن موسی^(ع) با چه کسانی و از چه نوعی بود؟

۱- شخصیت احمدبن موسی^(ع)

احمدبن موسی^(ع) فرزند امام کاظم^(ع) هفتمین امام شیعیان است. مادر ایشان ام احمد، بانویی با فضیلت و فرهیخته بود (جامع الانساب، ج ۱: ۷۴). احمدبن موسی^(ع) در مدینه متولد شد و دارای مقام والایی نزد پدر بود بطوری که وصی ظاهری ایشان شمرده شد. ایشان فردی پرهیزگار، مورد وثوق، شجاع و فاضل بود. شیخ مفید در ارشاد می‌گوید: احمدبن موسی مردی کریم، جلیل القدر و پارسا بود. حضرت موسی کاظم^(ع) او را بسیار دوست می‌داشت. او را مقدم می‌دانست و مزرعه خود را که به «یسیریه» معروف بود، به وی بخشید. نقل است که او در زمان خود هزار بنده آزاد کرد (شیخ مفید، به نقل از عرفان‌منش، ۱۳۸۶). وی در مبارزه خود با حاکم شیراز، قتلخ خان، به شهادت رسید. مزار او در شیراز محل زیارت دلدادگان ولایت است.

۲- احمدبن موسی در عرصه مبارزه با جنگ نرم

همانگونه که ذکر شد یکی از عرصه‌های نبرد دشمن، عرصه جنگ نرم است. در این عرصه دشمن با زیرکی تمام ارزش‌ها و اعتقادات را به شکل مرموزانه‌ای زیر سوال می‌برد. فرقه‌گرایی وسیله‌ای جهت تشتت و تجزیه است که حاکمان عباسی آن را به عنوان وسیله‌ای جهت تضعیف دین به شدت رواج دادند. کلاتتری معتقد است «نمی‌توان نقش عباسیان را به عنوان یکی از عوامل ایجاد شکاف در صفوف شیعیان و به‌وجودآوردن فرقه‌ها و انشعابات گوناگون در میان پیروان اهل بیت^(ع) به راحتی انکار کرد. آنان همواره دشمن اصلی و رغیب جدی خود در امر حکومت را امامان شیعه می‌دانستند و بی تردید، تضعیف این جبهه و بیرون کردن آن از صحنه، افزون بر این که موجب اقتدار سیاسی آنان می‌شد از قیام‌ها و مبارزه‌های متمرکز نیز جلوگیری می‌کرد (کلاتتری، ۱۳۹۰). طبیعی است که فرقه‌گرایی و تشتت در شرایط خفقان و استبداد رشد بیشتری می‌یابد. به بیانی دیگر، عدم امکان بیان شفاف مواضع اهل بیت در آن شرایط زمینه فرقه‌گرایی را مهیا می‌کرد.

یکی از افرادی که به دلیل مقبولیت زیاد می‌توانست در این وادی خطرناک مورد استفاده واقع شود، احمدبن موسی^(ع)، برادر علی ابن موسی الرضا^(ع) است. ایشان علاوه بر محبوبیتی که نزد پدر داشت به ظاهر به عنوان وصی نیز معرفی شده بود. شرایط بسیار پیچیده آن زمان و خفقان و استبداد حاکم در آن

زمان سبب شده بود که امام موسی کاظم^(ع) در مورد تعیین وصی با احتیاط حرکت کنند. شرایط خفقان زمان امام موسی کاظم^(ع) سبب شده بود که حضرت قادر بر تعیین وصی حقیقی خود در بین همگان نبود. ایشان وصی حقیقی خود، یعنی علی ابن موسی الرضا^(ع) را برای عده‌ای از خواص تعیین نمودند اما در کنار ایشان چند تن را به عنوان وصی ظاهری معرفی کردند. از جمله کسانی که به عنوان وصی ظاهری معرفی شده بودند، جناب احمدبن موسی^(ع) بود.

بنابراین خفقان آن دوران از سویی و عدم بصیرت لازم مردم از سوی دیگر شرایط برای فرقه‌گرایی را فراهم می‌آورد. بطور نمونه فرق احمدیه و واقفیه ثمرهٔ چنین شرایطی بود. عده‌ای با توجه به وصایت ظاهری و شخصیت بزرگوار احمدبن موسی^(ع) گمان بردند که امامت و جانشینی بعد از امام موسی کاظم^(ع) به ایشان تعلق دارد. گرد او جمع آمدند و با او بیعت نمودند. اما ایشان در یک عملیات آگاهانه و روشنگرانه طرفداران خود، را از یک انحراف دینی و تاریخی بازداشت و آنان را به بیعت با وصی حقیقی یعنی علی ابن موسی الرضا^(ع) توصیه کرد. وی «با رشادت و بزرگواری کم نظیر خطاب به بیعت کنندگان اعلام کرد که من خود در بیعت برادرم، علی ابن موسی^(ع) هستم و بدین‌سان به مسئله جانشینی از امامت خود پایان داد (عرفان‌منش، ۱۳۸۶). این در حالی است که خود طرفدارن زیادی داشت و به ظاهر شرایط می‌توانست به نفع او تمام شود.

کلانتری معتقد است که پس از شهادت امام کاظم^(ع) گروهی از شیعیان قائل به امامت احمدبن موسی^(ع) شدند اما ایشان با آگاهی از امامت برادر بزرگوار خود یعنی امام علی ابن موسی الرضا^(ع) این گروه را به بیعت با آن امام فرا خواند و خود به هدف یاری ایشان و دفاع از ایشان در برابر توطئه‌های مامون به خراسان سفر کرد (کلانتری، ۱۳۹۰). او بیعت با برادر و جانشینی او در امر امامت را بر خود و دیگران واجب می‌دانست.

۳- احمدبن موسی^(ع) در عرصه مبارزه با جنگ سخت

شرایط ویژه زمان امام رضا^(ع) و عدم مشروعیت حاکمان وقت، بسیاری از مصلحان دینی و نوادگان علوی را بر آن داشت تا به اجرای دین الهی همت گمارند و به مبارزه با ظلم و استبداد و ستمگری به پا خیزند. یکی از قیام‌های معروف در آن دوران که تاریخ‌نگاران به آن اشاره دارند، قیام احمدبن موسی^(ع) برادر امام رضا^(ع) است. آنان این قیام را قیامی مسلحانه در برابر مامون و حاکمان جور که با رشادت و صلابت همراه بود، می‌دانستند.

البته در قیام ایشان، اقوال بسیار متفاوت است. کشی، شرکت ایشان را در قیام محمدبن ابراهیم طباطبای تایید می‌کند. و بیهقی نقل می‌کند که احمدبن موسی^(ع) در بغداد بود که خبر شهادت برادرش را شنید و به قصد

خونخواهی به همراه سه هزار تن از نوادگان ائمه اطهار^(ع) آهنگ جنگ مامون را کردند در قم و ری با ماموران حکومتی درگیر شدند و پس از شهادت عده‌ای از یارانشان به سمت خراسان حرکت کردند تا آن که در اسفراین، ارتش مامون به آنان حمله کرد و ایشان را به شهادت رساند (اعیان الشیعه، به نقل از زاهدی، ۱۳۸۸).

سلطان الواعظین شیرازی حرکت احمدبن موسی^(ع) را شوق زیارت امام رضا^(ع) می‌داند که در ادامه این حرکت افراد زیادی در شهرها به ایشان پیوستند و کاروان بزرگی تشکیل شد. مامون از حرکت این کاروان بزرگ به هراس آمد و دستور برگشت آنان را داد. اما در شیراز قتلح خان عامل مامون با آنان درگیر شد و احمدبن موسی^(ع) و تعداد زیادی از یارانش را به شهادت رساند (شیرازی، ۱۳۷۹). ذکر این مطلب لازم است که حتی اگر قصد ایشان از حرکت به سوی خراسان زیارت برادر بوده باشد، اما این حرکت، حرکتی عادی نبود و شور و هیجانی را به دفاع از امام رضا^(ع) در مسیر حرکت ایجاد کرد و در نهایت به قیامی منجر شد که شهادت ایشان را در پی داشت.

منابع دیگر، نقلی متفاوت از این حادثه تاریخی دارند. برخی از منابع زمان قیام احمدبن موسی^(ع) را قبل از شهادت امام علی ابن موسی الرضا^(ع) می‌دانند، یعنی بین سال‌های ۲۰۱ تا ۲۰۳. آنان علت قیام آن حضرت را آگاهی آن جناب از توطئه مامون مبنی بر قتل امام رضا^(ع) می‌دانند. منابع تاریخی شاهد آن است که امام رضا^(ع) از پذیرش ولایتعهدی مامون ابا داشتند و از این امر به شدت استتکاف می‌فرمودند. اما سرانجام با فشار مامون و تهدید او به قتل حضرت، ایشان این امر را پذیرفتند (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۴۰). پذیرش ولایتعهدی حضرت، ایشان را با مشکلات زیادی روبرو ساخت. در حقیقت ایشان حکومت وقت را باطل و ناحق می‌دانستند اما شرایط چنین رقم خورده بود که بالاچار باید در حاکمیت باقی می‌ماندند و از این رو آن حضرت فرمودند من ولایتعهدی را می‌پذیرم به شرط آن که نه فرمانی دهم و نه نهی کنم و نه فتوایی و نه قضاوتی، نه نصبی و نه عزلی. من را از تمام این امور معاف بدار (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۸۹). در این شرایط مخاطرات زیادی ایشان را تهدید می‌کرد. این تهدیدات برای طرفداران و پیروان حضرت گران آمد و مبارزاتی را شکل دادند. برخی از تاریخ‌دانان احتمال داده‌اند که قیام احمدبن موسی^(ع) در این دوره اتفاق افتاده باشد. در واقع ایشان اگر در این مرحله قیام کرده باشد با انگیزه مقاومت، در جهت حفظ جان امام و حفظ امامت و خلیفه^(ص) به حق رسول الله و یاری او قیام خود را شکل داده است.

برخی نیز زمان قیام احمدبن موسی را بین سال‌های ۲۰۳ تا ۲۱۸ می‌دانند. بنا بر این نقل، قیام احمدبن موسی^(ع) بعد از شهادت حضرت بوده است و علت قیام ایشان اصلاح جامعه و طلب حق و عدالت بود و ایشان به خونخواهی حضرت قیام کرده است (حسینی مرتضی عاملی، ۱۳۵۹).

آن چه مسلم است این است که حرکت احمدبن موسی^(ع) چه قبل از شهادت حضرت رضا^(ع) اتفاق افتاده باشد و چه بعد از شهادت ایشان، هدف از قیام دفاع از امامت و ولایت بوده است. هدف قیام ایشان مبارزه

با جور مامون و سیاست‌های جابرانه‌ی او بوده است. بویژه که امام رضا^(ع) شرایط دشوار خود را در درون حاکمیت مامون گوشزد کرده بودند و به سفر بازگشت ناپذیر خود اشاره داشتند و در یک کلام هدف از قیام ایشان نصرت خداوند و احیای دینمداری است. نصرت دادن به خدا، جهاد در راه خدا با هدف تأیید دین او و اعتلای کلمه‌ی حق است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ۲۲۹). هر چند برخی از مورخان هدف سفر ایشان به خراسان را صرف دیدار برادر دانسته‌اند اما طبق منبع معتبر، هدف از سفر ایشان به خراسان تنها دیدار برادر نبوده است، بلکه حمایت از امام زمان خود بوده است.

قیام ایشان در واقع حرکت وسیع و گسترده‌ای بود که به آگاهی جامعه و روشنگری مردم منجر شد. ایشان در این قیام تعداد زیادی از علویان را با خود همراه کرد. برخی از مورخان تعداد یاران ایشان را در این حرکت تا بیش از پانزده هزار نفر ذکر کرده‌اند (عرفان منش، ۱۳۸۶، شیرازی، ۱۳۷۹: ۱۱۷). به بیان روشن‌تر حرکت ایشان جنبشی آزادیخواهانه و عدالت طلبانه بود که اساس حکومت مامون را به لرزه در آورد. «مامون دچار وحشت شده بود. بویژه هنگامی که فهمید عده‌ی زیادی از شیعیان و علویان از هر دیاری که کاروان احمدبن موسی می‌گذرد، به آن می‌پیوندند، دستور داد از عزیمت کاروان جلوگیری کنند (عرفان منش، ۱۳۸۶). در حقیقت این قیام تهدیدی جدی برای مامون بود و وحشت و هراس او را برانگیخته بود. مامون به هر شکلی در صدد مقاومت در مقابل این قیام برآمد. او به حاکمان خود دستور داد تا در هر منطقه و شهری با آنان مواجه شدند، از حرکت آنان جلوگیری کنند و آنان را به مدینه بازگردانند و یا به قتل برسانند (نوبختی، ۱۹۶۳م). حرکت او قیامی مسلحانه در حمایت از امامت بود.

برخی از محققان قیام و حرکت آن جناب را بر اساس سنت استبدال، تبیین می‌کنند. آنان معتقدند با توجه به ناسپاسی و قدرشناسی بعضی از اقوام و ملل، خداوند صالحان خود را بر اقامه‌ی عدل و داد و اجرای اوامر الهی به مهاجرت به سوی آن اقوام و ملل و نصرت دین الهی مامور می‌سازد. «... پس از ناسپاسی و عدم اهتمام لازم مسلمانان سایر نقاط اسلامی در یاری رساندن به دین و رهبران الهی، این نقش محوری را بر عهده‌ی پیروان مکتب اهل بیت^(ع) در ایران قرار داد و مهاجرت امام رضا^(ع) و فرزندان و نوادگان امامان به ایران از جمله زمینه‌های تحقق و استمرار این مهم است» (خانی مقدم، زاهدی، ۱۳۹۴).

۴- نتیجه

بررسی زندگی امامزادگان الگویی روشن و شفاف در برابر ماست که راه صحیح چگونه زیستن را به خوبی به تصویر می‌کشد. یکی از این بزرگواران که کتب تاریخی بر فضل، شجاعت، پرهیزگاری و کرامت ایشان شهادت دارد، احمدبن موسی^(ع) معروف به شاه‌چراغ است. ایشان از امامزادگان بزرگی است که در دفاع از امامت و ولایت با مبارزه در دو جبهه، یعنی، جنگ نرم و جنگ سخت، از حریم ولایت دفاع کرد.

ایشان تا آخرین نفس در این راه کوشید تا آن که شربت شهادت نوشید.

دوران حاکمیت عباسیان فرقه‌گرایی رواج زیادی یافت و حاکمان باطل و دشمنان دین خدا با ایجاد زمینه فرقه‌گرایی و رواج آن در صدد تضعیف و تشتت مومنان برآمدند. آنان با این شیوه به شکلی آرام و به دور از جنگ و جدال به تضعیف امامت پرداختند. در این شیوه به ظاهر دیندارانه، طرفداری و جانبداری از فرزندان و نوادگان حضرت علی^(ع) به تشتت و آشفتگی جامعه دینی منجر شد.

یکی از کسانی که در برابر فرقه‌گرایی به مبارزه برخاست، احمدبن موسی^(ع) است. او با مبارزه با فرقه‌گرایی پیوند خود و طرفدارانش را با ولایت و امامت علی بن موسی الرضا^(ع) محکم کرد و اجازه نداد که طرفداری از او به فرقه‌گرایی و تشتت در جامعه دینی منجر شود و حریم امامت تضعیف شود.

مبارزه دیگر او در عرصه میدانی در مقاومت و جنگ با مامون و حاکمان او در دفاع از امام رضا^(ع) شکل می‌گیرد. او به دفاع از امام زمان خود با رشادت تمام به میدان آمد و مبارزه‌های آشکار و گسترده را شکل داد و در این راه به شهادت رسید. در مجموع ایشان هم در عرصه جنگ نرم با هوشیاری و رشادت به مبارزه با تفرقه افکنان پرداخت و هم در جنگ سخت، در راه دفاع از ولایت و امامت مبارزه سرسختانه‌ای را با دشمنان اهل بیت^(ع) را پیش گرفت و در این مسیر به شهادت رسید.

منابع

۱. حسینی مرتضی عاملی، جعفر (۱۳۵۹). زندگی سیاسی هشتمین امام^(ع) ترجمه سید خلیل خلیلیان، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲. خانی مقدم، مهیار؛ زاهدی، عبدالرضا (۱۳۹۴). تبیین نظریه مهاجرت امام رضا^(ع) و امام زادگان^(ع) در راستای سنت الهی استبدال، فرهنگ رضوی، شماره ۱۰، صص ۴۳ - ۷۴.
۳. روضاتی، سید محمد علی (۱۳۳۵). جامع الانساب، ج ۱، اصفهان: انتشارات جاوید.
۴. زاهدی، سید یاسین (۱۳۸۸). احمدبن موسی^(ع) سخن تاریخ، شماره ۵، صص ۹۰ - ۱۱۱.
۵. شهرستانی، حمدبن عبدالکریم (۱۴۲۱ق). الملل و النحل، بیروت: دارالمعرفه.
۶. شیرازی، سلطان الواعظین (۱۳۷۹). شب‌های پیشاور در دفاع از حریم تشیع، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷. صدوق، محمدابن علی (۱۳۷۸ق). عیون اخبار الرضا، مهدی لاجوردی، تهران: جهان.
۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیرالقرآن، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۹. عرفان منش، جلیل (۱۳۸۶). چلچراغ شیراز، تحلیلی از قیام احمدبن موسی و برادران امام رضا^(ع) مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۰. کلانتری، علی اکبر (۱۳۹۰). آفتاب شیراز، پژوهشی نو و جامع پیرامون شخصیت و مدفن حضرت احمدبن موسی^(ع) معروف به شاه‌چراغ، شیراز: دانشگاه شیراز، مرکز نشر.

۱۱. کلینی، محمدابن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. محمدی ری‌شهری (۱۳۸۴). میزان‌الحکمه، قم: دارالحدیث.
۱۳. النوبختی، ابی محمد الحسن ابن موسی (۱۹۶۳۹م). فرق الشیعه، نجف: مکتبه الحیدریه.
۱۴. نهج‌الفصاحه، (۱۳۲۴). ابوالقاسم پاینده (جمع‌آورنده و مترجم)، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
۱۵. یوسف‌زاده، محمدرضا؛ بختیاری، عیسی (۱۳۹۲). مدیریت جنگ نرم (رویکردها و شیوه‌ها). توسعه مدیریت منابع انسانی و پشتیبانی، شماره ۲۷، صص ۳۳- ۶۰.